

ميلاد حضرت زينب كبرى(س) الكوي حياء ، عفت و فداكارى و روز پرستار مبارك باد.

روابط عمومي



تولد زينب(س) و گريه پيامبر بر مصايب آن
زينب كبرى (س) روز پنجم جمادى الاول سال 5 يا 6 هجرت در مدينه چشم به جهان گشود. خبر تولد نوزاد عزيز، به گوش رسول خدا (ص) رسيد. رسول خدا (ص) براى ديدار او به منزل دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) آمد و به دختر خود فاطمه (س) فرمود:
(دخترم ، فاطمه جان ، نوزادت را برايم بياور تا او را ببينم).
فاطمه (س) نوزاد كوچكش را به سينه فشرد، بر گونه هاى دوست داشتنى او بوسه زد، و آن گاه به پدر بزرگوارش داد. پيامبر (ص) فرزند دلبنده زهراى عزيزش را در آغوش كشيده صورت خود را به صورت او گذاشت و شروع به اشك ريختن كرد. فاطمه (ص) ناگهان متوجه اين صحنه شد و در حالى كه شديدا ناراحت بود از پدر پرسيد: پدرم ، چرا گريه مى كنى ؟!
رسول خدا (ص) فرمود: ((گريه ام به اين علت است كه پس از مرگ من و تو، اين دختر دوست داشتنى من سرنوشت غمبارى خواهد داشت ، در نظر مجسم گشت كه او با چه مشكلاتى دردناكى رو به رو مى شود و چه مصيبتهاى بزرگى را به خاطر رضاى خداوند با آغوش باز استقبال مى كند)).
در آن دقيقى كه آرام اشك مى ريخت و نوايه عزيزش را مى بوسيد، گاهى نيز چهره از رخسار او برداشته به چهره معصومى كه بعدها رسالتى بزرگ را عهده دار مى گشت خيره خيره مى نگريست و در همين جا بود كه خطاب به دخترش فاطمه (س) فرمود: ((اى پاره تن من و روشنى چشمانم ، فاطمه جان ، هر كسى كه بر زينب و مصايب او بگريد ثواب گريستن كسى را به او مى دهند كه بر دو برادر او حسن و حسين گريه كند)).(1)

ولادت و پرورش زينب

درست ترين گفتار آن است كه سيدتنا زينب كبرى (س) در پنجم ماه جمادى الاولى سال پنجم هجرى به دنيا آمده ، و تربيت و پرورش آن دره يتيمه و مرواريد گرانها و بى مانند در كنار پيغمبر اكرم (ص) بوده ، و در خانه رسالت راه رفته ، و غذاي خود را از وجود مطهر زهراي مرضيه(س) تناول نموده ، و از دست پسر عموى پيغمبر، اميرالمؤمنين (ع) غذا و خوراك خورده و نمو نموده ، نمو قدسى و پاكيژه ، و با سعادت و نيكيختى ، و پرورش يافته پرورش روحانى و الهى ، و به جامه هاى عظمت و بزرگى به چادر پاكدامنى و حشمت و بزرگوارى پوشيده شده ، و پنج تن اصحاب كساء به تربيت و پرورش و تعليم و آموختن و تهذيب و پاكيژه گردانيدن او قيام نموده و ايستادگى داشتند، و همين پس است كه مبرى و مؤ دب و معلم او ايشان باشند.(2)

گريه جبرئيل بر مصايب زينب (س)

روايت شده است كه پس از ولادت حضرت زينب (س)، حسين (ع) كه در آن هنگام كودك سه چهار ساله بود، به محضر رسول خدا (ص) آمد و عرض كرد: ((خداوند به من خواهرى عطا کرده است ((. پيامبر(ص) با شنيدن اين سخن ، منقلب و اندوهگين شد و اشك از ديده فرو ريخت . حسين (ع) پرسيد: ((براى چه اندوهگين و گريان شدى ؟))< /p> پيامبر(ص) فرمود: ((اى نور چشمم ، راز آن به زودى برايت آشكار شود.))

تا اينكه روزى جبرئيل نزد رسول خدا (ص) آمد، در حالى كه گريه مى كرد، رسول خدا (ص) از علت گريه او پرسيد، جبرئيل عرض كرد: ((اين دختر (زينب) از آغاز زندگى تا پايان عمر همواره با بلا و رنج و اندوه دست به گريان خواهد بود؛ گاهى به درد مصيبت فراق تو مبتلا شود، زمانى دستخوش ماتم مادرش و سپس ماتم مصيبت جانشوز برادرش امام حسن (ع) گردد و از اين مصايب دردناك تر و افزون تر اينكه به مصايب جانشوز كرلا گرفتار شود، به طورى كه قامتش خميده شود و موى سرش سفيد گردد.))
پيامبر (ص) گريان شد و صورت پر اشكش را بر صورت زينب (س) نهاد و گريه سختى كرد، زهرا (س) از علت آن پرسيد. پيامبر (ص) بخشى از بلاها و مصايبى را كه بر زينب (س) وارد مى شود، براى زهرا(س) بيان كرد.

حضرت زهرا (س) پرسيد: ((اى پدر! پاداش كسى كه بر مصايب دخترم زينب (س) گريه كند كيست ؟ پيامبر اكرم (ص) فرمود: ((پاداش او همچون پاداش كسى است كه براى مصايب حسن و حسين (ع) گريه مى كند.)) (3)

بشارت تولد زينب و گريه على (ع)

هر پدرى را كه بشارت به ولادت فرزند دادند، شاد و حرم گرديد، جز على بن ابى طالب (ع) كه ولادت هر يك از اولاد او سبب حزن او گرديد.
در روايت است كه چون حضرت زينب متولد شد، اميرالمؤمنين (ع) متوجه به حجره طاهره گرديد، در آن وقت حسين (ع) به استقبال پدر شتافت و عرض كرد: اى پدر بزرگوار! همانا خداى كردگار خواهرى به من عطا فرموده

اميرالمؤمنين (ع) از شنيدن اين سخن بى اختيار اشك از ديده هاى مبارك به رخسار همايانش جارى شد. چون حسين (ع) اين حال را از پدر بزرگوارش مشاهده نمود افسرده خاطر گشت . چه ، آمد پدر را بشارت دهد، بشارت مبدل به مصيبت و سبب حزن و اندوه پدر گرديد، دل مباركش ره درد آمد و اشك از ديده مباركش بر رخسارش جارى گشت و عرض كرد: ((بابا فدائيت شوم ، من شما را بشارت آوردم شما گريه مى كنيد، سبب چيست و اين گريه بر كيست ؟))

على (ع) حسينيّش را در برگرفت و نوازش نمود و فرمود: ((نور ديده ! زود باشد كه سر اين گريه آشكار و اثرش نمودار شود.))كه اشاره به واقعه كرلا مى كند. همين بشارت را سلمان به پيغمبر داد و آن حضرت هم منقلب گرديد.

چنان كه در بعض كتب است كه حضرت رسالت در مسجد تشريف داشت آن وقت سلمان شريفاب خدمت گرديد و آن سرور را به ولادت آن مظلومه بشارت داد و تهنيت گفت . آن حضرت بگريست و فرمود: ((اى سلمان جبرييل از جانب خداوند جليل خبر آورد كه اين مولود گرامى مصيبتش غير معدود باشد تا به آلام كرلا مبتلا شود، الخ))(4)

نامگذارى زينب از طرف خداوند

هنگامى كه زينب (س) متولد شد، مادرش حضرت زهرا (س) او را نزد پدرش اميرالمؤمنين (ع) آورده و گفت : اين نوزاد را نامگذارى كنيد! حضرت فرمود: من از رسول خدا جلو نمى افتم .
در اين ايام حضرت رسول اكرم (ص) در مسافرت بود. پس از مراجعت از سفر، اميرالمؤمنين على (ع) به آن حضرت عرض كرد: نامى را براى نوزاد انتخاب كنيد. رسول خدا (ص) فرمود: من بر پروردگارم سبقت نمى گيرم .

در اين هنگام جبرئيل (ع) فرود آمده و سلام خداوند را به پيامبر(ص) ابلاغ کرده و گفت :

نام اين نوزاد را ((زينب)) بگذاريد! خداوند بزرگ اين نام را براى او بر برگزيده است .

بعد مصايب و مشكلاتى را كه بر آن حضرت وارد خواهد شد، بازگو كرد. پيامبر اكرم (ص) گريست و فرمود: هر كس بر اين دختر بگريد، همانند كسى است كه بر برادرانش حسن و حسين گريسته باشد.(5)

فرزند فاطمه

عليا حضرت زينب ، نخستين دختری است كه از فاطمه (س) به دنيا آمده ، و او پس از امام حسن و امام حسين (ع) بزرگترين فرزندان فاطمه (س) بوده ، و نيز گفته اند:
دليل بر آن است كه روايان حديث و بيان كنندگان اخبار در ايام اضطهار - يعنى روزگار غلبه و چيرگى ظلم و ستم ستمگران بر مؤ منين - هر گاه مى خواستند از اميرالمؤمنين على (ع) روايتى نقل كنند مى گفتند:

اين روايت از ابى زينب است ، و اينكه اميرالمؤمنين (ع) را به اين كنيه مى ناميدند، براى آن است كه زينب كبرى (س) پس از امام حسن و امام حسين - عليهماالسلام - بزرگترين فرزندان آن حضرت بوده ، و اميرالمؤمنين (ع) نزد دشمنانش به اين كنيه معروف نبوده است .(6)

تغذيه زينب از زبان پيامبر

حضرت زینب (س) مانند دو برادرش حسن و حسین (ع) از زبان رسول الله (ص) تغذی می کرد.

همان طور که در بسیاری از اخبار آمده است ، پیغمبر (ص) زبان خود را در دهان حسنین می گذاشت ، آنان با مکیدن زبان پیغمبر تغذیه می شدند و از همین طریق گوشت و پوست بدنشان می روید و رشد می کرد، در مورد حضرت زینب (س) نیز همین عمل را انجام می داد.

در جلد اول از کتاب خرایج راوندی (صفحه 94) معجزه یکصد و پنجاه و پنج (155) از حضرت صادق (ع) چنین روایت کرده است :

امام صادق (ع) فرمود: پیغمبر (ص) پیوسته نزد فرزندان شیر خوار فاطمه می آمد، از آب دهان خود آنان را تغذیه می کرد و سپس به فاطمه (س) می فرمود به آنان شیر ندهید)) (7)

لقب های حضرت زینب (س)

الف (زینب کبری : این لقب برای مشخص شدن و تمییز دادن او از سایر خواهرانش (که از دیگر زنان امیرمؤمنان به دنیا آمده بودند) بود.

ب ((الصدیقة الصغری : چون ((صدیقه)) لقب مبارك مادرش ، زهرای مرضیه (س) است ، و از سویی شباهت های بی شماری میان مادر و دختر وجود داشت ، لذا حضرت زینب را ((صدیقه صغری)) ملقب کردند.

ج (عقیله / عقیله بنی هاشم / عقیله الطالبین :

((عقیله)) به معنای بانویی است که در قومش از کرامت و ارجمندی ویژه ای برخوردار باشد و در خانه اش عزت و محبت فوق العاده ای داشته باشد.

د) دیگر لقب ها:

از دیگر لقب های حضرت زینب ، موثقه عارفه ، عالمه غیرمعلمه ، عابده آل علی ، فاضله و کامله است . (8)

کنیه حضرت زینب (س)

کنیه آن علیا حضرت ((ام کلثوم)) است ، و این که ایشان را ((زینب کبری)) می گویند، برای آن است که فرق باشد بین او و بین کسی از خواهرانش که به آن نام و کنیه نامیده شده است .

چنان که ملقبه به ((صدیقه صغری)) شده است ، برای فرق بین او و مادرش صدیقه کبری فاطمه زهرا صلوات الله علیهما. (9)